

فن آوری ضامن موفقیت سینماگر نیست

ترجمه محمدرضا موحدی

سینما جلوه‌ای از تصاویر سه بعدی و پرسپکتیو است. در نگاه اول، توسعه فن آوری و ورود ابزارهای جدید و تبدیل تصاویر از حالت آنالوگ به دیجیتال در تحول سینمای جدید تأثیر گذار بوده است.

زمانی که از تصاویر سه بعدی صحبت می‌شود، فکر می‌کنیم این تصاویر خودبه‌خود با ترکیب تصویر به وجود آمده است. پس از گذشت دوره‌ای، با ورود کامپیوتر به صنعت سینما، این امکان به‌وجود آمد تا دست اندر کاران سینما در بخش‌های مختلف این صنعت تغییرات عمده‌ای را ایجاد کنند. ورود کامپیوتر به سینما از این جهت حائز اهمیت است که تصاویر ثبت شده را می‌توان در کامپیوتر به شیوه دلخواه تغییر داد و از روش تشابه سازی در تصاویر به خوبی استفاده کرد که این موضوع در نگاه اول قابل دیدن و درک نیست.

در فیلم‌های ساخته شده در سینمای «ای.مکس» با توجه به پرده‌های بزرگ، قدمی بلند در امر توسعه برداشته شده که این موضوع با هدف ارائه کیفیت بهتر در نظر گرفته شده است و نسبت به سینمای «امنی مکس» تصاویر سه بعدی برتری خاصی پیدا می‌کند.

در ساخت برنامه و فیلم تسلط بعد سوم به خوبی آشکار شده است و آمدن فن آوری و ابزارهای جدید در سینما به هر آنچه آرزوی ساخت آن وجود داشت کمک می‌کند.

در دوره‌ای که استفاده از فن آوری و ابزارهای مرتبط با آن در سینما وارد شده است، باید نقش تماشاگر را در ارتباط با تصاویر خلق شده شناخت تا بدین ترتیب، بیننده بیشتری جذب کرد. نقش وجودی فعال و چشم‌انداز سینما باید در عصر جدید نتیجه بخش باشد. اگر چه در دوره جدید با استفاده از ابزارها و فن آوری جدید اغلب آثار سینمایی شبیه به هم و تکراری شده اما باید تلاش کرد که نتیجه بخش بودن آن فراموش نشود و پرتحرک شدن تصاویر به گنگ شدن مفهومی و ادراکی آن منتهی نشود. این موضوع در آثار جدید سبب کاهش تماشاگر شده است.

به گفته دیگر، حضور فن آوری جدید در سینما باید خروجی مناسبی داشته باشد که این خروجی همان حضور تماشاگر است. ابزارهای جدید به کار رفته در سینمای امروز به یک مسئله زیبایی شناختی غیر تجسمی و غیر واقعی منتهی شده است. عدم شناخت و آگاهی کافی از ابزارها و فن آوری جدید در سینما موجب سوء تفاهم در این صنعت شده است.

بازتاب و واکنش در مورد تصاویر سه بعدی، در گرو ویژگی فن آوری و ابزارهای مرتبط با آن است و این موضوع گواه تغییرات بنیادی در مشاهدات است و ممکن است همین موضوع به مرگ سینما و یا تولد سینماهای جدید منتهی شود. در عصر جدید دیگر کمتر می‌توان از سینما، تحرک و تغییر زاویه دوربین صحبت کرد. جایگزینی برخی حالات به صورت کاملاً بنیادی در قلب نظریه‌های سینمایی روی داده است.

فیلم سینمایی «اولین امپراتور چین» در سال ۱۹۸۹ به طریقه «امنی مکس» توسط تونی ایانزولو و لیو هائو ژو ساخته شد. در این فیلم حضور کامل بعد سوم در سینمای جدید مشهود و ملموس است و به مشاهدات واقعی تحقق می‌بخشد.

در بیان ورود فن آوری و ابزارهای جدید به سینما این نکته حائز اهمیت است که تصاویر ترکیبی و ساخته شده، همچنین موفقیت فن آوری در صنعت سینما ضامن موفقیت هنرمند نخواهد بود و این دو موضوع کاملاً مجزا و متفاوت است. فن آوری جدید سینما را مجبور می‌کند که برای طبیعت جایگزینی بزرگ به‌وجود آورد و نه تنها از طبیعت عبور می‌کند، بلکه از طبیعت ادراکی و مفهومی نیز می‌گذرد. قدرت بنا بر تعریفی که در فن آوری و ابزارهای جدید سینما می‌یابد، در دنیای واقعی تعریف نشده است و به تعریف‌ها و برداشته‌های تازه‌ای در سینمای جدید راه می‌دهد.

در ساخت فیلم‌های جدید به کمک کامپیوتر، این ابزار پیشرفته سبب شده تا تجزیه و تحلیل ساختاری جایگزین مشاهدات عینی و بصری شود و بدین شیوه می‌توان در سینمای جدید با کمک ابزار، تصاویر ترکیبی و متنوعی به‌وجود آورد. به عنوان مثال می‌توان در رنگ، نور، صدا و زاویه حرکت دوربین تغییر ایجاد کرد و تصاویری تخیلی بر اساس ذهنیت مورد نظر خلق کرد. در سینمای جدید با کمک فن آوری و ابزارهای جدید موضوعات کاملاً واقعی را می‌توان به راحتی تصاویری دگرگون شده تولید کرد.